

نتیجه الفرقة قتل حجة الله !!

کشته شدن حجت خدا، پیامد تفرقه و چنددستگی

نافذة من نوافذ إيصال الحق للناس كانت مفتوحة، فذبّ الخلاف بين العاملين فيها من المؤمنين، ما أدى إلى فتح نافذة أخرى مع بقاء الأولى، ثم التفت بعضهم إلى أن فعلهم الذي أقدموا عليه ربما لا يكون مقبولاً عند خليفة الله.

روزنه‌ای از روزنه‌های رساندن حق به مردم گشوده شده بود. بین افراد مؤمنی که روی آن، کار می‌کردند اختلاف پیش آمد و این مساله به گشوده شدن روزنه‌ی دیگری در عین باقی ماندن روزنه‌ی اول منجر شد. برخی از آنها چنین اظهار نظر کردند که شاید کاری که از آنها سر زده است، مورد رضای خلیفه‌ی خدا نباشد.

فأبدى بعضهم استعدادهم لغلق النافذة الجديدة، إن كان مراد السيد (عليه السلام) ذلك.

و حتی برخی از آنها گفتند برای بستن روزنه‌ی جدید آماده‌اند، اگر این کار منظور نظر سید (علیه السلام) باشد.

فكان جوابه (عليه السلام):

ایشان (علیه السلام) در پاسخ فرمود:

[لماذا يغلوه؟ هو عمل جيد، وبارك الله بهم وبعملهم، أسأل الله أن يوفقهم ويرزقهم خيراً الآخرة والدنيا.

«چرا آن را ببندند؟ این کار نیکویی است. خداوند به آنها و به کارشان برکت دهد! از خدا مسئلت می‌نمایم که آنها را موفق بدارد و خیر آخرت و دنیا را ارزانی‌شان فرماید!

وأما الخلافات فقد قلت مراراً: إن إصلاح ذات بينكم من أفضل الأعمال، ويرضى الله ورسوله، ولكن ماذا بيدي؟ وهل جيش علي (عليه السلام) سمعوا منه ليسمع الجميع مني اليوم!

و اما در مورد اختلافات بارها گفته‌ام: «اصلاح میان خودتان» از برترین اعمال و مورد رضایت خدا و رسولش است، لیکن چه چیزی در دست من است؟ و آیا لشکر علی (علیه السلام) از او فرمان‌بری کردند تا امروز همگان از من گوش بگیرند؟!

المهم أن يعملوا وينجوا بأنفسهم، بالنسبة لحجج الله هذا ما يهمهم، وهو أن ينجو الناس بأنفسهم ويتجنبوا جهنم، فهم يحاولون إصلاح ذات بين المؤمنين ولكن لا ينفروا أحداً عن الحق ولو بكلمة تؤذيه، وحتى لو كانت نتيجة الفرقة هي قتل حجة الله كما حصل مع علي (عليه السلام) .

مهم این است که به عمل پردازند و خود را نجات دهند. آنچه برای حجج الهی اهمیت دارد همین است؛ این که مردم، خودشان را برهانند و از جهنم فاصله بگیرند. آنها به اصلاح میان مؤمنین روی می‌آوردند ولی کسی نباید از حق رویگردان و متنفر شود، ولو با کلمه‌ای که موجب آزار او است؛ و چه بسا نتیجه‌ی اختلاف و دو دستگی، کشته شدن حجت الهی باشد، همان طور که برای حضرت علی (علیه السلام) حادث گشت».

إن هذا المقطع من كلامه، علينا أن نتأمله مراراً، وأعتقد أنه ليس بحاجة إلى تعليق، أسأل الله أن يحفظ آل محمد (عليهم السلام) بحفظه، ويوحد كلمة المؤمنين دائماً وأبداً.

بر ما لازم است که بارها و بارها در این بخش از کلام ایشان تأمل کنیم. به گمان من، این قسمت نیازی به شرح و حاشیه‌پردازی ندارد. از خدا مسئلت می‌کنم که با محافظت خویش، آل محمد (علیهم السلام) را حفظ فرماید و مؤمنین را همیشه و همراه با یکدیگر متحد نماید.

وعن الإصلاح والسعي لإنقاذ الناس بما فيهم المؤمنين عند الفتن،
نقرأ قوله (عليه السلام) التالي:

در مورد اصلاح و رهنیدن مردم از آنچه مؤمنین در گرفتاری‌ها واقع می‌شوند، گفتار ایشان (علیه السلام) را ملاحظه می‌کنیم:

[الشیطان عموماً یحاول إضلال من یتطیع، ولكن نحن نحاول قدر الإمكان الإصلاح.]

«شیطان معمولاً می‌کوشد هر کس را که بتواند به گمراهی بکشاند، ولی ما در پی آنیم که حتی المقدر اصلاح نماییم.»

أسألوا أخوتكم كم حاولت مع حیدر مشنت وأتباعه بكل وسیلة لأهدیهم إلى الحق؟

از برادران تان سؤال کنید که من چند بار کوشیدم به هر وسیله‌ای که می‌شد، حیدر مشنت و پیروانش را به سوی حق هدایت کنم.

عموماً، نحن دائماً نحاول قدر الإمكان الخروج بأقل خسارة في الفتن، وأن لا نعطي للشیطان أي غنیمة إن أمكن.]

به طور کلی ما همواره می‌کوشیم حتی المقدور با کمترین خسارت، از فتنه‌ها بیرون بیایم و تا آنجا که امکان دارد، هیچ غنیمتی به شیطان ندهیم.»

* * *